

IRAN  
HUMAN  
RIGHTS



زندان قرچک؛  
جهنمی برای زنان و کودکان

## تشکر و قدردانی

تهیه و تنظیم این گزارش مدیون زنان کنشگر و زندانی سیاسی ست که مدتی از حبس ظالمانه‌ی خود را در زندان قرچک گذراندند. این زنان شجاع که رنج ممنوعان خود را در زندان قرچک ورامین دیدند، صدای زندانیان جرائم عمومی را که معمولاً از ضعیف‌ترین اقشار جامعه هستند، به دنیای خارج رساندند.

کنشگرانی که در گفت‌وگو با سازمان حقوق بشر ایران به زوایای تاریک زندان قرچک نور تاباندند، از جامعه مدنی ایران و جامعه بین‌الملل انتظار دارند تا برای انسانی کردن شرایط نگهداری زندانیان جرائم عمومی و بسته‌شدن همیشگی زندان قرچک بکوشند. ناگفته پیداست که در مورد زندانیان سیاسی، جای هیچ کنشگر مدنی و سیاسی در هیچ زندانی نیست.



## فهرست مطالب

۴	مقدمه
۵	سابقه زندان زنان قرچک
۶	شرایط زندان
۷	سرویس‌های بهداشتی
۸	خدمات بهداشتی در زمان پریود
۸	خدمات درمانی
۹	کیفیت غذا
۱۰	تفکیک جرایم
۱۰	معضل کودکان در زندان قرچک
۱۱	کمک‌هایی که به کودکان نمی‌رسند
۱۲	کودکان بی‌شناسنامه؛ تهدید مادران با تحویل کودکانشان به بهزیستی
۱۳	بند مادران و کودکان، آلوده و غیربهداشتی
۱۳	کودک‌آزاری در زندان قرچک
۱۴	خدمات درمانی و بیماری‌های کودکان
۱۵	توصیه‌ها
۱۶	منابع

زندان قرچک ورامین به یکی از تاریک‌ترین نمادهای نقض سیستماتیک حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. این زندان که ساختمان آن در ابتدا به‌عنوان مرغداری طراحی شده بود، امروز به مکانی غیرانسانی برای نگهداری زنان زندانی، از جمله زندانیان سیاسی، تبدیل شده است. شرایط این زندان نه تنها استانداردهای جهانی از جمله قوانین بانکوک<sup>۱</sup> و قواعد نلسون ماندلا<sup>۲</sup> را زیر پا می‌گذارد، بلکه ابتدایی‌ترین اصول کرامت انسانی را نیز نادیده می‌گیرد.

در زندان قرچک، زنان در فضایی بسیار کوچک، بدون تهویه و نور کافی نگهداری می‌شوند. آب شرب ناسالم، کیفیت پایین غذا، نبود خدمات بهداشتی و درمانی مناسب، و رفتارهای تحقیرآمیز و جنسیت‌زده، بخشی از رنج روزمره زندانیان است. این زندان نه تنها محیطی مملو از خشونت و سوءاستفاده است، بلکه به واسطه‌ی تراکم جمعیت بسیار بالا و کمبود امکانات اولیه، بسیاری از زندانیان حتی از جای خواب محروم‌اند و «کف‌خواب» شمرده می‌شوند.

این زندان همچنین نماد بارزی از نقض حقوق زنان و مادران است. مادرانی که کودکانشان تا دوسالگی در این محیط پرخطر و آلوده بزرگ می‌شوند و سپس از آن‌ها جدا شده و به مراکز بهزیستی منتقل می‌شوند، اغلب هیچ امکانی برای پیگیری سرنوشت فرزندان خود ندارند. کودکان بی‌شناسنامه‌ای که در این زندان به دنیا می‌آیند، از همان آغاز زندگی در چرخه‌ای از محرومیت و بی‌عدالتی گرفتار می‌شوند.

محمود امیری‌مقدم، مدیر سازمان حقوق بشر ایران، در این باره می‌گوید: «زندان قرچک نمادی از انکار آشکار انسانیت و کرامت بشر است. ادامه فعالیت چنین مکان‌هایی لکه ننگی بر وجدان جهانی است. امروز، بیش از هر زمان دیگری، باید از جامعه جهانی بخواهیم که در برابر این نقض گسترده حقوق بشر سکوت نکند.»

سازمان حقوق بشر ایران با انتشار این گزارش، بار دیگر خواستار بسته‌شدن فوری زندان قرچک و انتقال تمامی زندانیان به مکان‌هایی با حداقل استانداردهای بین‌المللی است. وجود چنین مکان‌هایی، به‌ویژه در قرن بیست و یکم، یادآور این است که عدالت و کرامت انسانی همچنان در بسیاری از نقاط جهان قربانی می‌شوند.

ما از جامعه جهانی، نهادهای حقوق بشری و تمامی انسان‌های آگاه می‌خواهیم که برای پایان دادن به فعالیت این زندان اقدام کنند. زندان قرچک نباید صرفاً یک موضوع داخلی تلقی شود؛ بلکه آزمونی برای جامعه جهانی است که آیا می‌تواند برای دفاع از کرامت انسانی و حقوق بشر به‌صورت متحد عمل کند یا خیر. بسته‌شدن این زندان نه تنها گامی ضروری برای احقاق حقوق زندانیان، بلکه نمادی از پابندی جهانی به عدالت و انسانیت خواهد بود.



## سابقه زندان زنان قرچک

مکانی که امروزه تحت عنوان زندان قرچک محکومان زن را در خود جای داده است، از اساس با استانداردهای مرغداری ساخته شد. پس از مدتی این مکان تغییر کاربری داد و به مرکز ترک اعتیاد مردان تبدیل شد.

پس از آن که مقامات مسوول تصمیم گرفتند که زنان زندانی را در این مکان نگهداری کنند، تغییر خاصی در ساختمان آن ایجاد نکردند، به طوری که بندها پنجره ندارند و زمانی که درهای آهنی هواخوری‌ها بسته شوند، تنها دیوار است که دیده می‌شود.

مژگان اینانلو، کارگردان، نویسنده و مستندساز که در پی حمایت از اعتراضات سراسری «زن، زندگی، آزادی»، بازداشت و برای مدتی به این زندان منتقل شد، به سازمان حقوق بشر ایران گفت: «پشت آن‌ها یک در آهنی بود که هفت صبح باز و پنج بعدازظهر قفل. تنها راه هوا همان در آهنی بود، در زمان‌هایی که باز می‌شد. وقتی بسته بود، به اندازه دو عدس روی این در آهنی سوراخ وجود داشت. من می‌رفتم از این سوراخ‌ها آسمان را نگاه می‌کردم.»

او افزود: «منتظر طلوع خورشید می‌شدم چون اون موقع همه خواب بودند. آنقدر نگاه می‌کردم تا خورشید بالا بیاید. بعد پشت من صف کشیده می‌شد. من همیشه چهار صبح آن‌جا می‌نشستم. ساعت ۷ صبح یک افسر نیروی انتظامی، دو سرباز و یک خانم از دری که انتهای حیاط بود و معروف بود به در فروشگاه، می‌آمدند و چفت در را باز می‌کردند و می‌رفتند. ما می‌بایست از آن عدس نگاه می‌کردیم که اینها بروند و در آن طرف را قفل کنند تا ما بتوانیم در را باز کنیم.»

بندها در واقع درون سوله‌هایی تشکیل شده‌اند که قرار بود طیور را در خود جای دهند. هر کدام از سالن‌ها گنجایش کم‌تر از صد نفر را دارد، اما به طور معمول در آن‌ها بیش از ۱۵۰ نفر زندگی می‌کنند. در مواقعی این عدد به ۶۰۰ نفر هم رسیده است؛ به طوری که زندانیان در کف زندان هم جای خواب نداشتند. به طور متوسط در اغلب ماه‌های سال بین ۱۵۰۰ تا دو هزار زن در این زندان نگهداری می‌شوند.



زندان قرچک ورامین به دلیل وضعیت نابسامان بهداشتی، کمبود امکانات و اقدامات تنبیهی سرسختانه، به عنوان تبعیدگاه بسیاری از زندانیان سیاسی و مدنی زن شناخته می‌شود.

## شرایط زندان

یکی از زندانیان در گفت‌وگو با سازمان حقوق بشر ایران از وفور حشرات موذی، از جمله سوسک خبر داد که در هر فرصتی به مواد غذایی حمله می‌کنند. بر مبنای روایت زندانیان، مکان نگهداری آن‌ها غیر از حشرات موذی، جایگاه تردد موش، سمندر، مارمولک، آب‌دزدک و حتی رتیل سمی است.

آب زندان قابل شرب نیست و اگر جوشانده و تصفیه نشود، عامل بیماری‌های مختلف گوارشی و کلیوی می‌شود. زندانیان سیاسی که مدتی به این زندان تبعید شده بودند، می‌گویند این آب حتی برای استحمام نیز کیفیت مناسبی ندارد.

یکی از زندانیان سیاسی که در جریان اعتراضات زن، زندگی، آزادی بازداشت و در این زندان نگهداری شده بود، به سازمان حقوق بشر ایران گفت که در اثر استحمام با آب پر از املاح زندان قرچک، دچار اگزمای پوستی شد و درمان او پس از آزادی نزدیک به مدت یک سال طول کشید.

نرگس محمدی، فعال حقوق بشر و برنده جایزه صلح نوبل که در ۲۹ تیر ۱۴۰۱ همراه با عالییه مطلب‌زاده، روزنامه‌نگار و فعال مدنی به این زندان تبعید شدند، در نامه‌ای مشترک نوشته بودند: «شرایطی که سختی و بدی هوای سوزناک و جهنمی آن، آلوده و غیرقابل شرب و حتی غیر قابل استحمام بودن آب، ساختمان سوله‌مانند، بدون نور طبیعی و جریان هوا، فاضلاب و تاسیسات فرسوده و زیرساخت‌های نامناسب جهت زندگی انسان تنها بخشی از رنج فزاینده و پایان ناپذیر تحمیل شده بر جان تک‌تک زنان این زندان است.»

سیستم تصفیه آب در زندان وجود ندارد. اگر زنان بخواهند آب سالم بیاشامند، مجبورند هر بطری آب معدنی را به قیمت بالا از فروشگاه زندان خریداری کنند که بسیاری از زندانیان قدرت مالی تهیه آن را هم ندارند.

اما همین آب لوله‌کشی کم‌کیفیت نیز در فصل گرما با قطعی متناوبی روبه‌روست. به دلیل تراکم جمعیت، به بخشی از زندانی‌ها تخت‌خواب نمی‌رسد و در کف زندان می‌خوابند. معتادان و زندانیانی که مبتلا به بیماری‌های واگیردار، از جمله ایدز و هیپاتیت بی هستند، از سایر زندانیان تفکیک نشده‌اند. برخی از آن‌ها که محکوم به حبس‌های سنگین‌اند، گهگاه با تهدید سایر زندانیان به مبتلا کردن آن‌ها از طریق سوزن آلوده به خون، از زندانیان دیگر باجگیری می‌کنند.

علاوه بر این، مسئولان زندان به دلیل قطعی مکرر آب، کولرهای آبی داخل بندها و سالن‌ها را خاموش می‌کنند و تحمل شرایط بی‌آبی در گرمای تابستان به مراتب دشوارتر است. گرمای شدید منجر به افزایش تنش‌های روانی میان زندانیان شده و کوچک‌ترین مشاجره‌ها میان هم‌بندیان به بروز درگیری‌های شدید منتهی می‌شود.

## سرویس‌های بهداشتی

هر سالن زندان قرچک با حضور میانگین ۱۵۰ زندانی، حداکثر سه یا چهار دستشویی دارد که وضعیتشان از نظر بهداشتی اسفناک گزارش شده است. همان‌طور که گفته شد، ساختمان این زندان برای استفاده به عنوان مرغداری طراحی شد و سیستم دفع فاضلاب مناسب برای زندگی انسانی را ندارد.

مژگان کشاورز، فعال حقوق زنان که مدتی در قرچک محبوس بود، به سازمان حقوق بشر ایران گفت: «گاهی فاضلاب زندان قرچک از کف محوطه هواخوری بالا می‌زند و به تدریج تمام کف هواخوری بندها را می‌پوشاند؛ به طوری که زنان امکان رفتن به هواخوری را نمی‌یابند. فضای زندان را بوی تعفن پر می‌کند و به طور خاص شب‌ها حال زندانیان از بوی بد، خراب می‌شود.» او افزود: «جاری شدن فاضلاب در کف سالن‌ها موجب هجوم حشرات شده و بوی مسموم نیز مشکلات تنفسی برای زندانیان محبوس در این بندها ایجاد کرده است.»



MEHR

Photo: Fatemeh Behboudi

MEHR NEWS AGENCY

باجه‌های تلفن زندانیان در هواخوری قرار دارد و زندانیان مجبور می‌شوند برای استفاده از تلفن از میان فاضلاب عبور کنند. زندانی سیاسی دیگری نیز تأکید کرد که چند تلفن برای مدتی در محیط سرپوشیده کار گذاشتند ولی به دلیل نامعلومی آن‌ها را برداشتند. در سرما و گرما

زندانیان باید صف بایستند تا بتوانند دقایقی با نزدیکانشان با تلفن صحبت کنند.

مسئله سرویس‌های بهداشتی فقط مربوط به زندانیان نیست. نبودن سرویس بهداشتی و دستشویی برای ملاقات‌کنندگان علیرغم فاصله دور از شهر، یکی دیگر از مشکلات این زندان است.

مژگان اینانلو می‌گوید که در زمان بازداشت او در زندان، در یک سالن ۳۰ نفره ۱۷۵ نفر گنجانده شده بودند و چهار توالت وجود داشت. یکی از توالت‌ها مخصوص وکیل بند بود و کسی نمی‌توانست از آن استفاده کند. یکی سیفونش خراب بود و آب پایین نمی‌رفت. دو تا مانده بود که ۱۷۵ نفر از آن می‌بایست استفاده کنند.

او افزود: «چهارتا هم دوش حمام آن‌جا بود. آنقدر فشار آب کم بود که اگر شیر توالت باز می‌شد، آب دوش قطع می‌شد.

## خدمات بهداشتی زمان پرورد

نوار بهداشتی برای زنان در زندان کالایی پولی است. یعنی حتی زندانی که از خانواده طرد شده و پولی در اختیار ندارد، باید از طریق فروشگاه زندان نوار بهداشتی دریافت کند. البته این زنان با مراجعه به مددکار اجتماعی سهمیه‌ای به رایگان دریافت می‌کنند اما این سهمیه بسیار اندک است و حتی در حالت عادی هم جوابگوی نیاز بهداشتی زنان نیست. حال اگر پرونده‌های نامنظم و خونریزی‌های طولانی اتفاق بیفتد، این زنان باید برای اضافه سهمیه، درخواست مجدد ارائه کنند؛ امری که مخصوصاً در آخر هفته‌ها به دشواری صورت می‌گیرد.

## خدمات درمانی

در طول روز از هر بند فقط تعداد مشخصی زندانی ویزیت می‌شوند که معمولاً بیش از پنج بیمار از هر بند نمی‌شود. چشم‌پزشک و دندان‌پزشک به ندرت به زندان مراجعه می‌کند. تنها کشیدن دندان رایگان است و بقیه خدمات دندانپزشکی باید با هزینه شخصی بیمار انجام شوند. هزینه عینک نیز در صورتی که ضعف بینایی زندانی تشخیص داده شود، برعهده خود بیمار است.

مسئولان برخلاف اینکه در تجویز داروهای ضروری به زندانیان سخت‌گیری می‌کنند و می‌گویند بودجه کم داریم، در تجویز و تحویل قرص‌های خواب دست و دل بازند!

روانپزشک زندان با یک بار مراجعه زندانی به این پزشک و طرح این مشکل که افکار خودکشی دارد و شب‌ها نمی‌تواند بخوابد، تعداد زیادی قرص اعصاب و خواب‌آور تجویز می‌کند که فقط زندانی بخوابد و دردسرش برای زندانبان‌ها کم شود.

مژگان اینانلو در این باره می‌گوید: «کالسکه‌ای از دارو بود؛ می‌آوردند توی بند و می‌گفتند هر کس آرامبخش می‌خواهد، بیاید و بگیرد! کلونازپام به وفور داده می‌شد. هیچ کنترلی نبود. یک بهداری داشت که اگر حالت بد می‌شد، می‌بردند آنجا اما همه بند باید جیغ می‌زدند و می‌کوبیدند به در آهنی تا این کار انجام شود. یک دختر نوجوان شب‌ها از زور تب می‌سوخت. فقط می‌توانستیم پاشویه کنیم. پنجشنبه و جمعه بهداری تعطیل است. از چهارشنبه که بیمار شد تا شنبه که ببریمش بهداری، تمام اتاق این بیماری را گرفته بودند. استامینوفن نبود ولی آرامبخش هرچه می‌خواستید، بود.»

این موارد نه تنها جدی گرفته نمی‌شدند، بلکه ماموران جلوی انتقال چنین خبرهایی را به بیرون از زندان، می‌گرفتند. مژگان اینانلو می‌گوید زمانی که شپش موی سر در آن بند شایع شده بود، «وکیل بند گفت هر کی تلفن کنه و بگه شپش افتاده به بند، تلفنش را قطع می‌کنیم و خودش را می‌اندازیم انفرادی!»

در اکثر مواردی که زندانی بیمار باید با تجویز پزشک به بیمارستان اعزام شود با جمله رئیس بهداری که «ضروری نیست» از انتقال خودداری می‌کنند.





به گزارش یکی از زندانیان سیاسی، حتی در چند مورد که زندانیان مشغول به کار در آشپزخانه و واحد چای‌خانه با آب جوش سوختند و دچار آسیب جدی پوستی شدند، مسئولان زندان از انتقال آنها به بیمارستان خودداری کردند و با تزریق مسکن و تجویز پماد سوختگی، آن‌ها را به بند بازگرداندند.

آزمایشگاه بهداشتی زندان اکثر آزمایش‌ها را نمی‌تواند انجام بدهد و در صورتی که اعزام به مراکز درمانی خارج از زندان صورت گیرد، زندانی باید تمام هزینه‌های درمان و رفت و آمد را بپردازد که اکثر زندانیان توان پرداخت چنین هزینه‌هایی را ندارند.

در زندان قرچک برای بیش از دو هزار زن زندانی فقط دو ویلچر موجود است که هر دو آنها خراب هستند!

## کیفیت غذا

مژگان اینانلو می‌گوید: «اغراق نمی‌کنم، آن‌قدر کیفیت غذا کم و هولناک بود، وقتی قابلمه غذا را می‌آوردند، اولین حرف و کیل بند این بود که من چطور این غذا [ای اندک] را بین این همه آدم تقسیم کنم؟ خب آن‌ها هم همه زنان و دختران جوان بودند. ما که کمی سن و سال داشتیم، تصمیم گرفتیم غذایمان را نخوریم و از فروشگاه بخریم تا به جوانان برسد. از فروشگاه می‌رفتیم غذا بخریم؛ کنسرو مرغ بود و ماکارونی یخ‌زده. امکان گرم کردن نداشتیم. یک تخم مرغ و نصف گوجه فرنگی یک شب شام دادند.»

یک زندانی سیاسی دیگر که خواست نامش فاش نشود، به سازمان حقوق بشر ایران گفت: «ما اجازه استفاده از اجاق را نداشتیم. بعضی بچه‌ها از بیرون زندان پلوپز خریدند تا در همان پلوپز، غیر از برنج، بتوانند سیب‌زمینی یا تخم‌مرغ آب‌پز کنند. اما بعد از مدتی به دلیل نامعلومی آمدند و تمام این پلوپزها را که بچه‌ها با هزینه شخصی خریده بودند، جمع کردند و بردند! معلوم شد بردند به واحد اداری و خودشان استفاده می‌کنند.»

# تفکیک جرائم

تفکیک جرائم در زندان قرچک به گونه‌ای نیست که زندانیان جرائم خطرناک را از دیگر زندانیان به درستی جدا کند. بندهای ۱ تا ۸ بندهای عمومی هستند.

معمولاً بندهای یک و دو محل زندانی محکومان از بابت ارتکاب جرم فروش یا حمل مواد مخدر است. بند سه متهمان به فروش مواد مخدر یا سرقت است که پس از صدور کیفرخواست، به بندهای یک یا دو منتقل می‌شوند و متهمان به سرقت به بند چهار انتقال پیدا می‌کنند.

بند پنج محل نگهداری اتباع خارجی است که اغلب شهروندان افغانستان هستند. در بند شش محکومان مالی و کلاهبرداری و کسانی محبوس هستند که زیر بیست و پنج سال محکومیت دارند. بند هفت محل حبس مجرمان خطرناک متهم به قتل، فساد و فحشا، آدم‌ربایی، اسیدپاشی، زورگیری، خفت‌گیری و جرائم خاص مثل قاچاق انسان است. بند هشت نسبتاً جدیدتر است و مدتی زندانیان سیاسی را به آنجا می‌فرستادند. اکنون بیشتر زندانیان سیاسی به بند هفت و کنار زندانیان خطرناک منتقل شده‌اند.

بند ۹ بند انفرادی‌هاست. این بند شامل چهار سوئیت است که در واقع قسمت‌هایی از یک سالن‌اند و با پارتیشن از هم جدا شده‌اند. این چهار اتاق برای جدا نگه داشتن زندانیانی که آنجا نگهداری می‌شوند، برای خود حمام و دستشویی دارد. عمدتاً زندانیان در آستانه اعدام یا زندانیانی که تنبیه می‌شوند، به انفرادی منتقل می‌شوند.

بندهای ۱۰ و ۱۱ موسوم به بندهای مشاوره یک و دو هستند.

بند مشاوره یک سابق به بند مادران معروف است که شامل مادران و زنان باردار است.

بند مشاوره دو سابق محل حبس محکومان مالی و بیماران و سالخورده‌هاست.

قرنطینه، مکانی که برخی زندانیان را در بدو ورود آنجا نگه می‌دارند، در زندان قرچک بسیار کوچک است و گاه ده‌ها نفر در یک جای تنگ به سر می‌برند.

## معضل کودکان در زندان قرچک

زندان زنان قرچک ورامین تنها محدود به حضور زنان نیست. در این زندان کودکان تا دوسالگی همراه با مادران زندانی خود زندگی می‌کنند، کودکانی که تحمل شرایط سخت و ناگوار زندان برای آنها دشوار است و چون مدتی طولانی هیچ مردی را ندیده‌اند، پس از خروج از زندان، با دیدن مردان «وحشت می‌کنند».

حامد فرمند، بنیانگذار و مدیر موسسه بین‌المللی کودکان زندانیان به سازمان حقوق بشر ایران گفت: «این کودکان در آسیب‌پذیرترین دوران رشد خود، یعنی ماه‌های اولیه زندگی که هنوز سیستم ایمنی بدنشان تکمیل نشده است، در محیطی آلوده، با تراکم بالای جمعیت و نبود غذا و آب کافی و سالم به سر می‌برند. آن‌ها کودکانی هستند که در مهم‌ترین دوره رشد خود، یعنی سال‌های اولیه رشد، بدون هیچ آموزشی متناسب با رشد جسمی، عقلی، عاطفی و روانی خود رها شده‌اند، کودکانی که بر خلاف حقوق اساسی‌شان، در معرض انواع آسیب‌های جسمی، روانی و حتی جنسی قرار دارند.»

ماده ۵۲۳ آیین دادرسی کیفری سن «الزامی» حضور کودک را دو سال تعیین کرده. بعد از دو سال، آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها، حضور کودک تا سن ۶ سال را منوط به تصمیم شورای طبقه‌بندی زندان کرده است. (بند الف - ماده ۱۵۸ - نسخه مصوب ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۰) حامد فرمند که عضو هیئت مدیره ائتلاف جهانی کودکان دارای والدین زندانی و عضو شبکه جهانی مراکز نگهداری کودکان در زندان‌ها نیز هست، در این باره گفت: «در زندان قرچک حضور کودک تا سن چهار سالگی را شناسایی کرده بودیم. هم قانون اجازه حضور بالای دو سال را می‌دهد و هم قبلاً این زندان سابقه نگهداری کودک بالای دو سال را داشته است.»

صغری خدادادی، مدیر زندان قرچک در اردیبهشت ۱۴۰۰ گفته بود: «در شرایطی که کودک می‌تواند تنها تا دوسالگی در زندان باشد. این جدایی باعث می‌شود که مادران از فرزندان دور باشند و با توجه به اهمیت دوران کودکی که در مرحله شکل‌گیری شخصیت و تربیتی هستند، فاصله فیزیکی بین مادر و فرزند مشکلاتی را به بار می‌آورد. در این موارد رئیس زندان می‌تواند تصمیم بگیرد تا فرزندان زندانی‌ها تا سن قبل از رسیدن به مدرسه در زندان بمانند. طبق نظر بنده کودک می‌تواند تا ۷ سالگی در زندان بماند البته اگر همه شرایط مادر مطلوب باشد. هر چند در حال حاضر هیچ کودکی نداریم که به این سن رسیده باشد و بالاترین سن کودک ما ۴ ساله است.»

مژگان کشاورز در این باره گفت: «عده‌ای از زندانیان در زمان بازداشت باردار بودند و بچه‌هایشان آنجا به دنیا می‌آمد. این نوزاد از زمانی که چشم باز می‌کرد تا سن دو سالگی (اگر مادر آزاد نمی‌شد) همراه مادر بود و بعد از دو سال بچه تحویل بهزیستی می‌شد؛ یا اگر خانواده داشت به خانواده تحویل داده می‌شد. آمار کودکان و نوزادان متغیر بود گاهی بیست و هفت تا سی نوزاد وجود داشت. معمولاً سالنی که متعلق به خانمهای حامله و مادران بود، نهایتاً پنجاه نفر می‌شد که اکثر آنها مادران با کودک و حدود ده نفر از آنان زنان باردار بودند. بند ۸ متعلق به مادرها بود. دارای راهروی بزرگ که سه تا اتاق کوچک داشت.»

حامد فرمند نیز گفت: «خود تحویل به بهزیستی هم جریان تلخی است. با فرستادن کودک به بهزیستی مادر را تهدید می‌کنند. از زنان بسیاری در مورد تجربه استرس شدید این زنان از رسیدن کودکشان به سن دو سالگی شنیده‌ام. با این‌که کودک بالای دو سال هم در تمام زندان‌ها هست، اما چون هیچ ضابطه‌ای نیست، می‌شود با آن ابزار به یک مادر فشار آورد. فرستاده‌شدن کودک به بهزیستی، بدون امکان مادر برای ردیابی کودک در صورت آزادی است. همچنین رابطه کودک-مادر تقریباً در اغلب موارد قطع می‌شود و سیستم زندان‌ها مکانیزم و تعهدی برای حفظ این رابطه برای خود احساس نمی‌کند. در گفت‌وگو با مددکاران اجتماعی، موارد دردناکی از تجربه زنان را در مواجهه با کودکشان که دیگر آن‌ها را نمی‌شناخت شنیدیم.»

## کمک‌هایی که به کودکان نمی‌رسند

در بند مادران وسایل تفریحی یا آموزشی برای کودکان وجود ندارد. یک سرسره کوچک و تاب کوچک در حیاط نصب کرده‌اند که این بازی هم برای کودکان تکراری می‌شود و پس از مدتی بی‌قرار و کلافه می‌شوند. در حوالی سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ «اتاقی» با تعدادی وسیله بازی وجود داشت که آن‌هم به مصارف دیگری اختصاص یافت.

در بسیاری از مواقع، در فصل گرما به دلایلی مانند قطعی برق و آب، کولر داخل بندها خاموش می‌شود و تحمل این گرما برای کودکان ضعیف بسیار سخت است.

مژگان کشاورز، یکی از کنشگرانی که مدتی در زندان قرچک محبوس بود، به سازمان حقوق بشر ایران گفت: «کولر بند مادران خراب بود. طی روزهای آغازین فصل تابستان چند کودک خردسال گرما زده شدند.»

حفاظت زندان و رئیس زندان در بسیاری از موارد مانع از رسیدن کمک‌های خیرین، از جمله پوشاک و مواد غذایی، به مادران زندانی و فرزندان آنها می‌شوند.

سازمان حقوق بشر ایران در جست‌وجو برای چرایی ممانعت از رسیدن این کمک‌ها به کودکان از حامد فرمند پرسید که آیا این کمک‌ها برای ممانعت از قاچاق احتمالی مواد مخدر ضبط می‌شوند؟ او گفت: «بعید می‌دانم موضوع قاچاق باشد. برای ارزیابی آن، راه‌های زیادی دارند. این دو مورد، یعنی در اختیار نگذاشتن کمک‌ها از جمله پوشاک و خوراک را در سایر زندان‌ها هم شنیدم. من دو دلیل را حدس می‌زنم. یک: وسایلی را که امکان تخریبشان وجود دارد، مثل اسباب‌بازی و پوشاک، برای نشان دادن در بازدیدهای رسمی نگه می‌دارند. یک زندانی سابق در قرچک به من گفت که برای ملاقات‌ها لباس نو تن کودک می‌کردند و بعد با گریه از تنش در آوردند. وسایل بازی را هم برای این‌که خراب نشوند، در انبار نگه می‌دارند و گاه به گاه برخی از آن‌ها را در اختیار کودکان می‌گذارند.»

او در مورد دلیل دوم گفت: «درباره خوراکی، تنها چیزی که به نظرم می‌رسد، فشار به زندانی در کنار بی‌توجهی اصولی به حقوق کودک است. مادران زندانی با کودکانشان کنترل می‌شوند. این را از زندانیان مختلف شنیده‌ام که به خصوص مادران زندانی با کودکشان تهدید می‌شوند. بنابراین زندانیان تلاش می‌کنند تا «خوب» رفتار کنند. این فشار با ابزارهای مختلف همراه است از جمله غذای کودک.»

# کودکان بی شناسنامه؛ تهدید مادران با تحویل کودکانشان به بهزیستی

مژگان کشاورز در مورد وضعیت کودکان به سازمان حقوق بشر ایران گفت: «خودم هم در بند مادران و کودکان همبند بودم. ۸۰ درصد بچه‌ها پدر نداشتند. شخصی خیر به زندان آمد و به اسم مادرها برای بچه‌ها شناسنامه گرفت.»



حامد فرمند در این باره گفت: «موضوع شناسنامه نداشتن تقریباً برای تمام کودکان متولد زندان در تمام زندان‌ها اتفاق می‌افتد. برخی از آن‌ها یا حاصل رابطه خارج از ازدواج‌اند (شامل تجاوز یا رابطه همراه با رضایت) و یا پدر به دلایلی از جمله اعتیاد، زندانی بودن یا اعدام شدن، حضور ندارد. قانون ایران، آن‌ها را بدون شناسنامه می‌گذارد. کسی دنبال کارشان نیست. در زندان نیازی هم به شناسنامه نیست. مادران امکانی برای پیگیری ندارند. چهار سال پیش خبری منتشر شد مبنی بر این که کودکان قرچک برای اولین بار شناسنامه گرفتند. از یک سو این خبر رسماً اعلام می‌کرد که کودکان تا آن موقع شناسنامه نداشتند. از سوی دیگر، اگر یک بار یک خیری آمده و این اتفاق واقعاً افتاده، من در تداومش تردید جدی دارم.»

برخی از کودکان متولد زندان، به دلیل قانون تبعیض‌آمیزی که امکان تهیه شناسنامه برای کودک از طرف مادر را به او نمی‌دهد، بدون شناسنامه هستند. هرچند خبرگزاری ایلنا در آذر ۱۴۰۰ اعلام کرد که «برای اولین بار، کودکان زندان دارای شناسنامه شدند»، اما شواهدی بر این اتفاق دیده نمی‌شود. مادر گندم در گفت‌وگوی خود در همان سال با مریم ابراهیم‌وند، مستندساز، گفت: «گندم فقط کارت واکسن دارد. حتی نمی‌توانم برایش گواهی تولد بگیرم.»<sup>۳</sup>

# بند مادران و کودکان، آلوده و غیربهداشتی

به گفته کشاورز، بند ۸ از نظر تهویه هوا یکی از آلوده‌ترین سالن‌های زندان قرچک است چون خیلی پایین‌تر از بقیه سالن‌هاست و تقریباً با ده‌الی دوازده پله به سمت حیاط پایین می‌رود. به همین علت، این سالن همیشه نمناک است و بوی نم و فاضلاب می‌دهد.

پیشتر آتنا دائمی، کنشگر حقوق بشر که مدتی در قرچک محبوس بود، در مورد بند زنان گفته بود: «بند هشت بند مادران، زنان باردار و یا زنانی است که با فرزندانشان در زندان هستند و مدتی هم به بند سیاسی تبدیل شده بود، اما پس از انتقال زندانیان سیاسی به اوین، این بند دوباره فقط بند مادران بود... فقط غذای بند مادران که بچه‌های کوچک داشتند جدا بود و تنها فرقی این بود که کمی بیشتر بود یا کمی بیشتر گوشت داشت. غذاها اغلب می‌ماند و کسی نمی‌خورد شاید بیشتر به این دلیل که زندانیان در حال ترک اعتیاد بودند و تمایلی به خوردن غذا نداشتند.»<sup>۴</sup>

برخی از کودکان این زنان با اعتیاد به دنیا می‌آیند یا گاه در دوران نوزادی‌اند و پیش از ورود به زندان شیر مادر معتادشان را خورده‌اند. کودک هم در کنار مادر بدون هیچ خدماتی، دوران وحشتناک ترک اعتیاد را در زندان طی می‌کند.

کشاورز در مورد غذای مادران به سازمان حقوق بشر ایران گفت: «مسئولان زندان، برنامه غذایی را برایشان می‌نوشتند و می‌دادند به مادرها و یکی از مددجوها را هم به عنوان آشپز بچه‌ها تعیین می‌کردند و او طبق آن برنامه غذا درست می‌کرد. غذاها شامل فرنی، حلیم، پوره، سوپ، تخم مرغ و دمی گوجه بود. این غذاها برای یک وعده نهار کودکان بود، بعضی وقت‌ها وعده‌های شام داشتند که برنامه غذایی‌شان با برنامه غذایی دیگر زندانیان شبیه یا همان غذا بود مثل تخم مرغ آب‌پز و سیب زمینی. البته جیره بچه‌ها خیلی کم و ناچیز بود که هم باید مادر شیرده می‌خورد و هم زن باردار و هم کودکان. غذای کودکان بی‌کیفیت و ناکافی بود و از میوه برخوردار نبودند.»

با این حال، باید ذکر کرد که بنا بر تأکید حامد فرمند، «زندان قرچک جزو معدود زندان‌هایی است که تا حدی غذای کودک برای بخشی از روز جداست. در بیشتر زندان‌ها هیچ تفاوتی در غذای زندانی و کودک نیست.» این یعنی وضع تغذیه در بسیاری از زندان‌های ایران برای کودکان حتی می‌تواند بدتر از این باشد.

مژگان کشاورز در ادامه گفت: «اتهام بیشتر مادران این کودکان سرقت و مواد مخدر بود که خانواده حمایتگری نداشتند تا این زندانی‌ها را ساپورت کنند و توان خرید از بوفه زندان را نداشتند و همیشه بچه‌هایشان در حال گریه و زاری بودند و نیازمند بودند. کمبود شیر خشک وجود داشت که مادرها توان خرید آن را نداشتند و زندان سهمیه خیلی کم به ایشان شیر خشک می‌داد. به جای شیر خشک از شیر ماندگار با تاریخ انقضای بالا که پاکتی کوچک بود می‌داد که به هیچ عنوان برای نوزادان و کودکان سالم و مفید نبود.»

این نکته حائز اهمیت است که از سال ۱۳۹۹ تا کنون زندانیان سیاسی دیگر در بند مادران نگهداری نمی‌شوند. بنابراین دست‌کم در حال حاضر اطلاعات کمتری از این بند به نهادهای مدافع حقوق بشر می‌رسد. از این رو، متأسفانه به احتمال قوی، شرایط در فقدان شفافیت و آگاهی‌رسانی، حتی بدتر هم شده باشد.

حامد فرمند در این باره از قول یک زندانی سیاسی سابق گفت که وقتی در زمستان ۱۳۹۹ زندانیان سیاسی را به بندی منتقل کردند که پیشتر مربوط به مادران و کودکان بوده، دریافتند که سرویس بهداشتی بند به تازگی نو شده است. زندانیان قدیمی‌تر به آن‌ها گفتند که پیشتر، این سرویس بهداشتی مانند «توالت صحرايي» بوده است.

## کودک آزاری در زندان قرچک

مژگان کشاورز می‌گوید: «بچه‌ها خیلی اذیت می‌شدند چون برخی از مادران به دلیل اعتیاد درد داشتند و همچنین به دلیل دوری از عزیزانشان و شرایط زندان و ناتوانی در نگهداری بچه (مخصوصاً دوقلوها) از لحاظ روحی روانی به هم ریخته بودند و ناراحتی‌های خودشان را سر کودکان خالی می‌کردند، کودکان را کتک می‌زدند و اذیت می‌کردند.»

حامد فرمند به دو مورد دیگر اشاره می‌کند: فروش یا حتی پیش‌فروش کودکان در زندان از سوی مادران عمدتاً معتاد و آزار جنسی (جسمی یا کلامی) کودکان در زندان.

موسسه کویپی در تحقیقی<sup>۵</sup> که اسفند ۱۴۰۰ منتشر شده، آزارجنسی علیه کودکان پسر در زندان قرچک را مستند کرده است.

«در زندان قرچک شوخی‌ها و برخوردهای جنسی این‌طور بود که [زندانیان زن] به دختر بچه‌ها توجه نمی‌کردند، ولی در رابطه با پسر بچه‌ها، خودشان را در مقابل آنها برهنه می‌کردند، آنها را با خودشان حمام می‌بردند، با آلت آنها بازی میکردند، گیره لباس یا چیزهایی از این دست به آلت آنها می‌زدند، کودک را مجبور می‌کردند بدن آنها را لمس کند، یا خودارضایی به کودک یاد می‌دادند، افرادی غیر از مادر کودک، به زور سینه‌شان را در دهان کودک می‌کردند، به کودک کلمات و حرفهای جنسی یاد می‌دادند و از او می‌خواستند که آنها را تکرار کند یا در حضور کودک سکس تلفنی می‌کردند.»

همچنین، در مورد دختران، یک مددکار اجتماعی به کویپی گفت: «آثار سوزانده‌شدن با سیگار روی دست‌ها، پاها و همچنین اندام جنسی دختر هشت ساله وجود دارد که مشخصاً توسط مادر و زمانی که متوجه شده کودک اندام جنسی خود را لمس می‌کند، انجام شده است.»

مژگان کشاورز گفت: «بچه‌ها وقتی نزدیک به سن دوسالگی می‌رسیدند دلتنگ می‌شدند، دلشان بیرون را می‌خواست، گریه می‌کردند چون وقتی به بهداری می‌رفتند و ماشین می‌دیدند کنجکاو می‌شدند که این چیست و دوست داشتند سوار شوند.»

او گفت حتی برخی زنان به خاطر فقر مفرط، در زمان بارداری عامدانه مرتکب جرم می‌شوند تا زندانی شوند و وضع حمل آنها با هزینه دولت انجام شود. بسیاری از این کودکان پس از آزادی مادر یا جدا شدن از او در دوسالگی، فروش می‌روند.

## خدمات درمانی و بیماری‌های کودکان

اگر بچه‌ای در بند به بیماری‌های مسری دچار شود، این بیماری به سرعت شایع می‌شود. بچه‌ها در یک مکان کوچک زندگی می‌کنند و بهداشت به طور مناسبی رعایت نمی‌شود. وضعیت سرویس بهداشتی هم بسیار نامناسب است.

مژگان کشاورز می‌گوید: «زمانی که آب گرم زندان قطع می‌شد، این بچه‌ها دچار بیماری می‌شدند و دل‌درد می‌گرفتند. مادران همیشه معترض بودند که بچه‌هایمان را با آب سرد شستیم و مریض شده‌اند چون امکانات کافی برای گرم کردن کودکان هم وجود نداشت. جواب اعتراض مادران هم این بود که اینجا یک جای عمومی است و ممکن است هر اتفاقی رخ دهد و یا اینکه مگر در خانه‌هایتان آب گرم کنتان خراب نمی‌شود؟»

هفته‌ای یک‌بار متخصص کودک از بیرون زندان برای ویزیت کودکان می‌آید. کودکانی که مادرانشان متادون مصرف می‌کنند، به دلیل خوردن شیر آنها معمولاً مریض‌اند و به خاطر اعتیاد مادرشان سرفه و بدن‌درد دارند.

در چند سال اخیر به خاطر حضور فعالان سیاسی در قرچک که خبرهای این زندان را کم و بیش اطلاع‌رسانی می‌کنند، پای خیرین هم به زندان باز شده و کمک‌های محدودی از طرف آنها مثل لباس گرم برای بچه‌ها فرستاده می‌شود. اما این پاسخگوی نیازهای مادران و کودکانشان نیست و مادرها به خاطر کمبود لباس مجبورند دست به دامان زندانیان دیگر شوند و از آنها کمک بگیرند.

معضل بعدی زباله‌های بهداری است که متأسفانه در اتاق بسته یا انبار نگهداری نمی‌شوند، در زیر پله و در فضای باز بهداری و جایی که نوزادان و کودکان، زنان باردار و زنان رفت و آمد می‌کنند و در معرض دید و تنفس این افراد قرار دارد، گذاشته می‌شوند. زندانیان برای ورود به اتاق پرستاری باید از کنار این زباله‌های آلوده و آغشته به خون بیماران گذر کنند.

## توصیه‌ها:

۱. تعطیلی فوری زندان قرچک: این زندان باید فوراً بسته شود و تمامی زندانیان به مکان‌هایی با استانداردهای انسانی و بین‌المللی منتقل شوند.
۲. تضمین حقوق زنان و کودکان زندانی: شرایط نگهداری زنان و کودکان باید مطابق با قوانین بین‌المللی، از جمله قوانین بانکوک و نلسون ماندلا، بهبود یابد.
۳. ایجاد نظارت مستقل: تیم‌های حقوق بشری مستقل باید به‌طور منظم از وضعیت زندانیان در ایران بازدید کرده و گزارش‌های شفاف ارائه دهند.
۴. پایان تبعید زندانیان سیاسی: انتقال زندانیان سیاسی به زندان‌هایی با شرایط غیرانسانی، مانند قرچک، باید فوراً متوقف شود.
۵. تحقق عدالت و پاسخگویی: مسئولان زندان قرچک و مقامات ذی‌ربط باید در برابر نقض حقوق بشر پاسخگو باشند و با اقدامات قضایی مناسب تحت پیگرد قرار گیرند.

## منابع

<https://www.un.org/en/ecosoc/docs/2010/res%202010-16.pdf> .۱

<https://documents.un.org/doc/undoc/gen/n15/443/41/pdf/n1544341.pdf> .۲

[/https://www.radiozamaneh.com/792030](https://www.radiozamaneh.com/792030) .۳

<https://www.radiofarda.com/a/32602541.html> .۴

[https://coipi-fa.org/wp-content/uploads/2022/08/Report\\_on\\_Child\\_Motehr\\_inPrison\\_Situation\\_COIPI\\_Far-si\\_02272022.pdf](https://coipi-fa.org/wp-content/uploads/2022/08/Report_on_Child_Motehr_inPrison_Situation_COIPI_Far-si_02272022.pdf) .۵





**IRAN**  
HUMAN  
RIGHTS



© Iran Human Rights (IHRNGO) 2024